



خرافات بیشترین سود را از مشابهت‌های ظاهری با اعتقادات دینی می‌برند

خرافات بیشترین سود را از مشابهت‌های ظاهری با اعتقادات دینی می‌برند خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: انسان خرافه پرست به اقتضای میل به عوالم غیبی و به دلیل شهوتی که برای ارتباط با آن عوالم دارد، جذب اندیشه‌های متافیزیکی می‌شود؛ اما فقدان خرد کافی و تنبلی ذهن، او را در تشخیص سره از ناسره عاجز می‌کند. اثبات یا ابطال باورها و گزاره‌های متافیزیکی، آسان نیست. به همین دلیل، درباره این باورها، بیشتر سخن از ایمان است، نه علم. اثبات پذیری علمی، لزوماً به معنای ابطال پذیری عقلی نیست. ماجرای این گونه با

خبرگزاری مهر - انسان خرافه پرست به اقتضای میل به عوالم غیبی و به دلیل شهوتی که برای ارتباط با آن عوالم دارد، جذب اندیشه‌های متافیزیکی می‌شود؛ اما فقدان خرد کافی و تنبلی ذهن، او را در تشخیص سره از ناسره عاجز می‌کند. اثبات یا ابطال باورها و گزاره‌های متافیزیکی، آسان نیست. به همین دلیل، درباره این باورها، بیشتر سخن از ایمان است، نه علم. اثبات پذیری علمی، لزوماً به معنای ابطال پذیری عقلی نیست. ماجرای این گونه باورهای، همچنان که متافیزیک را بالاتر از آزمایش‌های تجربی می‌نشانند، زمینه را برای سوء استفاده‌های احتمالی نیز هموار می‌کند.

اصل توجه به عالم ماوراء، به دلایلی که محل اختلاف است. در اکثر قریب به اتفاق آدم‌ها وجود دارد. این توجه، گاهی از طریق ادیان و باورهای مذهبی پاسخ می‌گیرد و گاهی از راه‌های پراکنده و متفرقه. همین راه‌های نامعقول و غیر رسمی نیز دسته‌بندی‌های ظریفی دارند که از بودائیان تا فرقه‌های مانند شیطان پرستان را شامل می‌شود به عبارت دیگر متافیزیک گرایی اعم از دینداری مستند و معنویت راستین است.

خرافات نیز، راهی دیگر برای ارضای حس متافیزیک گرایی در انسان است. خرافات در قیاس با باورهای صحیح و اصیل ادیان، چند برگ برنده دارد که گاهی آنها را بر دین گرایی معقول و پیراسته، چیره می‌کند. به مثل، تجسم گرایی و ملموس سازی خرافات، برای عوام جذابیتی دارد که باورهای قلبی و انتزاعی ادیان فاقد آن می‌باشند.

خدا و مقدسات ادیان، به نیروی خرد و اندیشه، درک می‌شوند؛ اما مقدساتی که خرافات می‌سازند، فقط اندکی به چشم و گوش انسان زحمت می‌دهند و مفاهیم سنگینی را بر قلب او بار نمی‌کنند. انسان خرافه پرست، نخست به اقتضای میل به عوالم غیبی و به دلیل شهوتی که برای ارتباط با آن عوالم دارد، جذب اندیشه‌های متافیزیکی می‌شود؛ اما فقدان خرد کافی و تنبلی ذهن، او را در تشخیص سره از ناسره عاجز می‌کند و ناگهان سر از عقایدی در می‌آورد که مگو و می‌پرس.

این عقاید، معمولاً مشابه عقاید صحیح و تأیید شده ادیان هستند، اما ماهیتاً با آنها تفاوت می‌کنند. به عبارت دیگر، خرافات بیشترین سود را از مشابهت‌های ظاهری خود با اعتقادات اصیل دینی می‌برند. برای نمونه در آیه 35 سوره مائده به ابتغای وسیله سفارش شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید و به او [توسل و] تقرب جوید و در راهش جهاد کنید باشد که رستگار شوید.»

این آیه کریمه، زمینه و مقدمه‌ای است برای باورمندی به توسل، اما از آیه بر نمی‌آید که آن وسیله‌ای که باید آنرا بجوئیم، چیست؟ با مراجعه به تفاسیر معتبر، آشکار می‌شود که مراد از وسیله در این آیه شریفه، احسان به دیگران، عمل صالح، ایمان، پرهیزگاری و اولیای الهی است. (ر.ک: ذیل آیه تفاسیر مجمع البیان، التبیان و المیزان)

حتی امیرمؤمنان(ع) در نهج البلاغه به صراحت درباره مصادیق وسیله سخن گفته است: همانا بهترین وسیله‌ای که جویندگان قرب به خدای سبحان به آن توسل می‌جویند، ایمان به خدا و پیامبر و کلمه اخلاص و برپا داشتن نماز و دادن زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و به جا آوردن عمره و پیوند با خویشان و صدقه دادن و کارهای نیک است.

دستگاه خرافه، بی توجه به این حقایق و هشدارها، از همین باور صحیح و قرآنی، چنان عقیده فاسدی می‌سازد که فرسنگ‌ها با روح آموزه‌های توحیدی دین فاصله دارد؛ مثلاً توسل به درخت، کوه، دریا، سنگ‌های منقوش به رد پای کسی را هم مشمول ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ می‌کند. همین کژخوانی در آیه ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ﴾ نیز اتفاق افتاده است و عده‌ای برای اهل ذکر مصادیقی ساخته‌اند که به واقع، گمراهی است.

بدین روست که ریشه اکثر خرافات، یکی از باورها و آموزه‌های صحیح دینی و متافیزیکی است که از آن سوء استفاده شده است: تا

نباشد راست، کی باشد دروغ/ آن دروغ، از راست می گیرد فروغ.

در این صورت، مبارزه با زمینه ها و ریشه های خرافه، چه معنایی پیدا می کند؟ قطعاً مراد مبارزه با گرایش های متافیزیکی جوامع انسانی نیست؛ کسی که با نفس این گرایش مخالفتی ندارد. مخالفت با سوء استفاده هایی است که از این زمینه پاک و مقدس می شود. آنچه ممکن و مطلوب است، تقویت نهادهای دینی است تا گرایش های متافیزیکی و آخرت گرایی های مردم را به راه درست و هدایت و مدیریت کند.

به هیچ وجه، مراد از تقویت نهادهای دینی، تزریق پول و امکانات مالی به مؤسسات و مراکز و اشخاص حقیقی یا حقوقی، یا اعمال نظرهای آمرانه در کار مراکز دینی نیست، که این شیوه نتیجه نداده است و پس از این نیز نتیجه نخواهد داد؛ مگر نتیجه عکس.

تقویت و غنی سازی نهادهای دینی و مذهبی، فقط از راه احترام به استقلال آنها و پذیرش حداقلی از تنوعات فکری است که متأسفانه رو به ضعف و کاهش است. نهادهای دینی فقط در صورتی از عهده مبارزه با خرافات بر می آیند که راه نواندیشی را به روی خود نبسته باشند و به اندازه کافی از سعه صدر نیز برخوردار باشند.

نهادی که همه درها و پنجره ها را به روی خود بسته باشد و جز آنچه از او می خواهند یا بر او تحمیل می کنند، وظیفه دیگری برای خود شناسد، نه تنها از عهده مبارزه با هیچ باطلی بر نمی آید، بلکه خود نیز اندک اندک به کارخانه ای دیگر برای تولید خرافات تبدیل می شود.